

## دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هفتم، زمستان ۱۴۰۰، ص ۸۸-۱۰۶

# نظام حقوقی و فقهی حاکم بر شهادت<sup>۱</sup>

سجاد قلعه شاخانی<sup>۲</sup>

### چکیده

شهادت یکی از ادله اثبات دعوا، نقش مهمی در اثبات دعاوی در حقوق امروز ایفا می‌نماید و بحث و پیرامون شرایط صحت و اعتبار شهادت را به خود اختصاص می‌دهد. در تمامی سیستم‌های حقوقی شهادت شهود بعنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد نیاز طرفین دعوی در اثبات ادعاهای آنان بوده است و نوع و حدود استفاده آن در هر کشوری متفاوت است. همچنین، در اسلام این اصل به صورت عقلایی مورد قبول واقع شده است و برای آن شرایطی نیز ایجاد گردیده که می‌بایست از روایات و آیات استفاده گردد. لذا شهادت دادن یکی از حقوق اجتماعی هر فردی است و نمی‌توان کسی را بدون جهت از آن محروم ساخت ولو اینکه توسط قانون باشد. مضاف بر اینکه، شهادت اغلب به صورت مستقیم و گاهی به حالت غیر مستقیم که به آن شهادت فرع می‌گویند محقق می‌شود. قانون آیین دادرسی مدنی نیز مواد ۲۲۹ الی ۲۴۷ را به مبحث گواهی اختصاص داده و در ماده ۲۳۳ خود، پاره‌ای از موارد مذکور را در آیین دادرسی کیفری نیز لازم‌الاتباع تلقی نموده است. در مقاله پیش رو برآنیم تا نظام حقوقی و فقهی حاکم بر شهادت را بررسی نموده و به چستی آن پردازیم.

واژگان کلیدی: شهادت، فرع، گواه، حقوق اجتماعی

<sup>۱</sup> - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

<sup>۲</sup> - کارشناسی حقوق و دانشجوی دکتری مدیریت دولتی.

## مقدمه

شهادت بعنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد پذیرش تمام نظام‌های حقوقی از جمله اسلام قرار گرفته است. شهادت برای صیانت و حفاظت از حقوق به مفهوم اعم خود چه حق الناس چه حق الله تشریح گردیده و از دو مرحله تحمل شهادت و ادای شهادت تشکیل می‌شود. نباید از این موضوع غافل شد که شهادت بعنوان یکی از حقوق اجتماعی فرد می‌باشد و نمی‌توان کسی را از داشتن این حق محروم ساخت. همچنین، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار برای نخستین بار در حقوق کیفری از شهادت بر شهادت بعنوان یکی از ادله اثبات دعاوی کیفری نام برده است و شهادت بعنوان متداول ترین دلیل مورد توجه واقع شده است که مصداق بینه شرعی می‌باشد به همین جهت، اسلام شرایط ویژه‌ای برای شهادت و خصوصیات شاهد شرح داده است و در فقه اسلامی از لحاظ کلی مورد اتفاق آرا و اجماع مکاتب فقه اسلامی است و یکی از ادله اثبات دعوی و بلکه اقوی دلیل محسوب و قدر متقین و مسلم مصداق بینه شرعی است.

## ۱- کلیات

در مقاله پیش رو به بررسی تعریف و مفهوم شهادت، سابقه تاریخی آن، ماهیت و ملاک حجیت و دیگر موارد می‌پردازیم.

### ۱-۱- تعریف و مفهوم شهادت

شهادت در لغت به معنای حضور، دیدن و خبر قاطع است. در اصطلاح شرعی نیز از معنای لغوی تبعیت نموده و به مفهوم گواهی دادن از روی علم و یقین و اخبار قطعی از حقی به نفع کسی و علیه دیگری است. همچنین، شهادت فرع عبارت است از قیام دو شاهد برای نقل شهادت کسی که گواهی او قبول کردنی است. به دیگر سخن،

شهادت را می‌توان از جهتی دو قسم تلقی نمود: قسم اول اینکه عبارت است از شهادتی که شاهد واقعه را مستقیم مشاهده کرده و بر آنچه دیده است گواهی می‌دهد، این قسم شهادت اصل و شاهد نیز شاهد اصل نامیده می‌شود. دومین قسم، شهادتی است که شاهد واقعه را مستقیم ندیده بلکه با گواهی شخص دیگر از واقعه اطلاع پیدا نموده و بر گواهی شاهد اصل شهادت می‌دهد، این قسم را شهادت فرع و شاهد را شاهد فرع می‌نامند (محمدیان و سلحشور، ۱۳۹۹: ۵۷).

### ۱-۲- سابقه تاریخی شهادت

شهادت در حقوق ایران باستان که مزدکیها اعتماد زیادی به اقوال همکیشان خود داشته و یک ارزش استثنایی برای گفتار آنان قائل می‌شدند، شهادت برادر را برای برادر دیگر و شهادت زن را برای شوهر بدون در نظر داشتن درجه قرابت و خویشاوندی می‌پذیرفتند و طرز استماع شهادت شهود بدین صورت بود که اول خواهان شهود خود را معرفی می‌نمود و برای اینکه شهادت موثر واقع گردد عده شهود باید در حدود ۳ نفر بوده باشد اما نسبت به هر دعوایی از نظر کمیت و کیفیت عده شهود روبه نقصان می‌رفت. همچنین در دوران خلافت امویان و عباسیان چنین بود که مسئولیت عرض و اقامه شهود و ارائه بینه و معرفی نمودن یک ارباب رجوع به قاضی بر عهده وکیل قاضی بود که در این دوره طبقه بندی خاصی نیز وجود داشت. نظام حقوقی در زمان اتابکان همان نظام شرق بود و بیان حقوقی را محتاج دو شاهد عادل تلقی می‌کردند. در مذهب یهود چنین بود که در کیش یهود در امور قضایی برای شهادت شهود اهمیت زیادی قائل بودند و ابن هاعزر و هوشن میشپات که ناشرین شریعت کلیمی بودند، مقرراتی را در قسمت شهادت شهود جمع‌آوری کرده و در تورات که کلیه دعاوی مدنی از طریق شهادت صورت می‌گرفت می‌آوردند و هیچ عقد و قراردادی بدون حضور گواه درباره طرفین نافذ و معتبر شناخته نمی‌شد و زنها از دخالت در امر شهادت ممنوع بودند و این عمل فقط در مورد

مردان صدق می‌کرد. همچنین در شریعت اسلام، در معنای خاص بینه فقهی، شامل شهادت و شهود و یا شهادت دو شاهد عادل مرد و یا شهادت یک شاهد عادل مرد به علاوه شهادت دو شاهد عادل زن می‌شود. مضاف بر اینکه، در حقوق ایران شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی، از زمانی که قوانین مدونه در ایران رسمیت یافت، تغییرات زیادی پیدا نمود و نخستین قانون راجع به شهادت مصوبه مجلس، قانون راجع به طرزاستماع شهادت شهود مصوب ۱۴ تیرماه ۱۳۰۷ می‌باشد که به سبب این قانون اعتبار شهادت در محاکم عرفی مورد تردید قرار واقع شد (میرزایی قاضی، ۱۳۹۵: ۵۷ - ۵۳).

### ۱-۳-ماهیت و ملاک حجیت شهادت

شهادت نیز مانند اقرار، اعلام شخصی است و باز هم مانند اقرار، نه داخل در اعمال حقوقی است و نه جز وقایع حقوقی است. حتی فقهایی که اقرار را جزء اعمال حقوقی یعنی ایقاع محسوب می‌نمایند شهادت را جز احکام می‌دانند (مامقانی، ۱۴۰۴: ۲۴۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۲۰۱).

جهت شناخت ماهیت گواهی شهادت لازم است بدانیم شهادت یک حق است که برای شاهد وجود دارد و یا اینکه تکلیف بر عهده او می‌باشد. تکلیف عبارت است از امری که فرد ملزم به انجام آن می‌باشد و هر زمان خلاف آن رفتار نماید به جزایی که در خور آن امر است مبتلا می‌گردد (امامی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۱).

همچنین در قوانین کیفری به تکلیف شاهد جهت حضور در دادگاه و ادای شهادت به طور واضح اشاره شده است و در دعاوی حقوقی بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی از طرفی تکلیف حاضر کردن گواه در دادگاه جهت ادای شهادت بر عهده طرفی از دعوا که متمسک به گواهی شده است قرار گرفته و از لحاظ دیگر، امکان احضار گواه از سوی دادگاه نیز پیش بینی شده است و دادگاه قادر است درخواست یکی از اصحاب دعوا و همچنین در

صورتی که خودش مقتضی بداند گواه آن را احضار نماید اگر گواه حاضر نشود مجدد او را می تواند احضار نماید. در نتیجه چنین مشاهده می گردد قانونگذار در امور حقوقی برخلاف امور کیفری و برخلاف نظر مشهور فقهای امامیه، حضور گواه را در دادگاه جهت ادای شهادت تکلیف محسوب ننموده و از بین حقوقدانان بعضی در جایی شهادت را به صورت کلی تکلیف تلقی نموده اند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۶۷).

علاوه بر آن، در مورد بحث ملاک حجیت شهادت، مورد اجماع و اتفاق همه فرق مذاهب اسلامی است و یکی از ادله اثبات دعوی می باشد در آیات گوناگون به مناسبت های مختلف از شهادت سخن به میان آمده است که در آیه ۲۸۲ سوره بقره می فرماید: «دو گواه از مردان را گواه گیرید و اگر دو مرد نباشند، یک مرد و دو زن از کسانی که پسندیدید گواه گیرید، مبادا وام برای یکی از زن ها از یاد رفته باشد که در این صورت زن دیگر او را یادآور شود و نباید گواهان سرباز زنند، زمانی که آنان را برای گواهی بخواهند در داد و ستد دست به دست هم، گواه گیرید». مفسر بزرگ قرآن مرحوم طبرسی می گویند: «برخی ها بیان کرده اند که آیه مذکور به قضاوت امر می کند، هنگام قضاوت کردن اگر مدعی علیه انکار کرد از مدعی تقاضای دو شاهد عادل کنید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۹۸).

#### ۱-۴- مصادیق شهادت بر شهادت

مصادیق شهادت بر شهادت مواردی از جمله شهادت و شهادت زنان، شهادت فرع در حدود و تعزیرات، شهادت بر شهادت کذب، می باشد که در این قسمت به توضیح مختصر آنان می پردازیم.

در شهادت بر شهادت زنان به طوری که در روایات بیان گردیده است از واژه رجل استفاده شده است و در هیچ یک از روایات از کلمه نساء استفاده نشده است. در این که زنان می توانند به عنوان شاهد اصل در محکمه شهادت

دهند و شهادت آنان مورد قبول واقع شود یا نه بین فقها و حقوقدانان اتفاق نظر وجود دارد. با وجود اتفاق نظر درباره شهادت زنان به عنوان شاهد اصل بین فقها و تبعیت قانون گذار در قانون گذاری از نظر ایشان اما در پذیرفتن شهادت زنان به عنوان شاهد فرع بین فقها اختلاف زیادی مشاهده می گردد. همچنین در قبال نظرات آنان مشهور فقها قرار دارد که شهادت زنان را به عنوان شاهد فرع قبول ندارد. مضاف بر اینکه، در بحث شهادت فرع در حدود و تعزیرات مطابق ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی: «حد و تعزیرات با شهادت در شهادت اثبات نمی شود...». علامه در کتاب قواعد آورده است: «اگر شخصی به لواط و یا زنا با عمه یا خاله خود اقرار کند و شاهد اصل آن را نوید شاهد فرع شهادت دهد، شهادت فرع مرد قبول واقع می شود اما حد آن اثبات نمی گردد لذا نشر حرمت نکاح ثابت می گردد». نظر به اینکه محل قبول و پذیرش شهادت بر شهادت در حقوق الناس می باشد و در حقوق الله قابل پذیرش نیست با این حال در قانون مجازات اسلامی قانونگذار در ماده ۱۸۹ بیان نموده که: «جرائم حد و تعزیر با شهادت بر شهادت ثابت نمی گردد» ولیکن، با توجه به اینکه در جرائم تعزیری نیز حق الناسی وجود دارد عام آوردن این ماده درست نمی باشد. علاوه بر آن، در شهادت بر شهادت کذب در ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی، شهادت دروغ دهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود». چنانچه در ماده فوق آمده است تحقق جرم شهادت دروغ وابسته است به اینکه ادای شهادت در دادگاه نزد مقامات رسمی باشد و در نتیجه اگر شخصی خارج از دادگاه نزد افراد عادی شهادت دروغ دهد جرم نمی باشد (دنکوب، ۱۳۹۴:

## ۱-۵- تعارض شهادت در فقه امامیه

وقتی بین شهادت‌ها تضاد برقرار باشد شهادت‌ها با هم تعارض پیدا می‌کنند که در این صورت چهار حالت پیش می‌آید، گاهی دو طرف دعوی بر عین ید دارند، و گاهی یکی از آنها بر مورد نزاع ید دارد، در این صورت یا شاهد آن هر دو طرف سبب ملکیت را بیان می‌کنند و یا گواهان هیچکدام سبب ملکیت را بیان نمی‌کنند و یا اینکه تنها گواهان فردی که بر مال سلطه مالکی دارد، سبب ملکیت را بیان می‌کنند و یا بالعکس. حالت سوم آن است که عین در دست فرد ثالثی باشد، و در صورت آخر کسی بر عین ید ندارد. تعارض در شهادت با تحقق تضاد در شهادت شکل می‌گیرد و اگر دو شاهد به حقی برای فردی شهادت دهند و دو شاهد دیگر به همان حق برای دیگری شهادت دهند در این صورت هرچقدر که ممکن باشد بایستی بین شهود جمع کرد (سعدی و مرتضوی، ۱۳۹۲: ۷۰-۶۹).

مضافاً اینکه، در مسئله تعارض شهادت، اگر هر دو طرف دعوا بر مورد نزاع سلطه مالکی داشته باشند، در این صورت، حکم مختار آن است که بدون رجوع به تعداد و عدالت شهود، قرعه و سوگند حکم به نصف کردن مورد نزاع داده می‌شود و اگر یک طرف بر مال سلطه مالکی داشته باشد و دیگری خارج از آن باشد، در این حالت در تمام چهار قسم آن، گواهان فرد خارج از مورد نزاع، مقدم می‌شود و بدون رجوع به مرجحات و سوگند مال به او داده می‌شود. همچنین، در صورت قسم خوردن او مال به او داده می‌شود و اگر او هم از قسم خوردن ممانعت نماید، حکم به نصف کردن مورد نزاع بین دو طرف داده می‌شود (همان، ۹۲).

## ۶-۱- رویکردهای فقهی به اعتبار جنسیت در شهادت

اعتبار شهادت زن در فقه اسلامی از گذشته تا به امروز همواره از سه مباحث متعددی در این حوزه بوده است. با این حال قدمت موضوع مانع از تازگی پرداختن به انتقادات مطرح در این قلمرو و با هدف نزدیک شدن به نظر شارع نخواهد بود. بررسی سابقه فقهی نشان می‌دهد که فقها در کنار شرایط هشتگانه جنسیت را در زمره شروط لحاظ کردند و همین امر نقطه آغاز انتقادهایی از سوی طرفداران حقوق زن شده است که این شرط را حاکی از تبعیض میان زن و مرد و محرومیت آنان از حقوق اجتماعی شان تلقی نموده اند. لذا دیدگاه اول که تحت عنوان رویکرد سنتی یا جنسیت محور از آن یاد شده است قائل به تنصیف شهادت زن است و با معتبر شمردن شرط جنسیت در شاهد، برای اثبات خود به دلایل نقلی و عقلی استناد می‌نماید. همچنین آرای موجود در فقه اسلامی درباره اعتبار شهادت زنان ذیل دو رویکرد کلیه قابل تقسیم بندی است. در رویکرد اول که ایرادات استدلالی رویکرد مذکور در ارائه متناسب ترین تفسیر فقهی از موضوع و ناتوانی در هماهنگ شدن با تغییرات زمانی و مکانی که لازمه تداوم فقه اسلامی است، دخیل کردن عنصر تاریخمندی در نگرش های آتی به این موضوع را لازم تلقی نموده است. دوم این که در تفسیر حدیث و روایت وارده قضایای خارجیه را از قضایای حقیقیه یا طبیعی متمایز کرده و هر قضیه ای را در ظرف زمانی و مکانی خود مشاهده می‌نماید. دلیل سوم، لزوم توجه به فلسفه وضع شهادت است. قرار گرفتن شهادت در زمره ادله اثبات دعوا، برای تسهیل احقاق حق و ممانعت از ضایع شدن حقوق است. در حال حاضر زنان نیمی از نیروها را در اختیار دارند و هرچه زمان بگذرد نسبت به حقوق خود مصمم تر خواهند بود و دولت نمی‌تواند از زنان درخواست نماید که در مواقع سختی و بحران همراه با مردان به میدان بیایند اما در هنگام مطالبه حق از آنان حمایت ننماید و در نتیجه این که تغییر در ضرورت های



اجتماعی سبب تحول در جامعه می گردد و اگر بن بست ایجاد نکند راهگشا نیز نخواهد بود (رستمی و روستایی، ۱۳۹۶: ۸۳ - ۶۷).

## ۱-۷- ادله وجوب ادای شهادت و حرمت کتمان آن

ادای شهادت همواره در نظام‌های حقوقی به عنوان یکی از دلایل اثبات دعوی مطرح بوده و هست. در عین حال در کشور ما، به علت عدم الزام شاهد بر ادای شهادت از یک سو و ملاحظه این حقیقت که اصل اولیه برائت منکر است، شهادت به عنوان دلیل اثبات تا حد زیادی کارایی خود را از دست داده است. مهمترین وظیفه حاکم اسلامی پس از اجرای مقررات انتظامی اسلام و اجرای حدود و تعزیرات، قضاوت و فصل خصومت بین مردم است که می‌تواند آنرا به فرد یا افراد جامع شرایط واگذار نماید. رسیدن به عدالت قضایی در زندگی اجتماعی که همواره با حوادث، اتفاقات و عملکردهای ارادی یا غیر ارادی افراد و مشکلات خانوادگی همراه است، ناگزیر از پذیرش شهادت است. همچنین در اسلام و نظام‌های حقوقی گوناگون، شهادت به عنوان دلیل اثبات دعوی به شمار می‌رود و عدم توجه به آن برائت منکر است، احتمال دارد که خسارات جبران ناپذیری را به جامعه و افراد وارد نماید. لذا ادای شهادت در حقوق الناس واجب و کتمان آن حرام است که در آیه شریفه که در شانزده مورد خداوند کتمان حقیقت را مذموم دانسته و به کتمان کننده هشدار داده است که در آیه ۱۰۶ سوره مائده آمده است که شهادت را کتمان نمی‌کنیم تا از جمله گناهکاران باشیم. همچنین در آیه ۱۴۰ بقره آمده است که کیست ستمکار تر از آن کس که شهادت ای از خدا را کتمان کند. یعنی ظالم تر از کتمان کننده شهادت یافت نمی‌شود. ۱۶ آیه از آیات هفده گانه می‌تواند دلیل بر حرمت کتمان شهادت و وجوب ادای آن باشد. مضاف بر اینکه، در روایات آمده است که از جمله در روایت امام صادق علیه السلام کتمان شهادت را با استناد به قرآن کریم گناه کبیره معرفی نموده است. در این روایت که عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از امام جواد علیه السلام و آن حضرت

از موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند ، آمده است: عمرو بن عبید نزد امام صادق علیه السلام آمد و چون سلام کرد و نشست ، که طبق آیه ۳۱ نسا( کسانی که از گناهان کبیره و زشت کاری ها دوری گزینند) ، سپس از سخن باز ایستاد. امام صادق علیه السلام به او فرمود چرا سکوت کردی ؟ عمرو بن عبید گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خداوند بدانم آن گاه حضرت گناهان کبیره را با استناد به آیات مربوط به بیان فرمودند که کتمان شهادت یکی از آنها است. فقها نیز هم از اهل سنت و شیعه بر کبیره بودن کتمان شهادت تاکید دارند ، از جمله سرخسی، سیوطی، شوکانی از مفسران و فقهای اهل سنت نیز پس از استناد به این آیه شریفه و روایات بر وجوب ادای شهادت مطابق حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله کتمان شهادت را از گناهان کبیره تلقی نموده اند. به دیگر سخن وجود تحمل شهادت مورد اختلاف است و منشاء آن عدم صراحت آیات و روایات یا اختلاف آنها است و چون شک در تکلیف است اصل عدم وجود است. همچنین ادای شهادت واجب است و دلیل آن صریح آیه شریفه قرآن ، روایات و اتفاق مسلمانان است و مصداق بارز و مورد وفاق همه، جایی است که کس دیگری برای ادای شهادت نباشد یا عدم ادای شهادت موجب ضرر به صاحب حق شود(سجادی نژاد ، ۱۳۹۱: ۱۴۳ - ۱۳۹).

#### ۱-۸-۱- ادای شهادت کذب

ادای شهادت دروغ باید در دادگاه صورت گیرد لذا شهادت در خارج از دادگاه و نیز مراجعی که به آنها دادگاه اطلاق نمی شود مشمول حکم این ماده نیست. ادای شهادت باید مقامات رسمی باشد از این جهت چنانچه فردی که استماع شهادت می کند صلاحیت استماع آن را نداشته باشد نمی توان ادای شهادت را مشمول ماده ۶۵۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی دانست. همچنین باید که از دو بودن شهادت چنین شخصی در دادگاه صالح به موجب حکم قطعی به اثبات رسیده باشد. در مورد عدم ادای شهادت و کتمان آن با توجه به مقررات جزایی

کنونی باید گفت که جرم محسوب نمی شود و شهادت دروغ موجب بطلان حکم است و هر حکمی که بر طبق آن صادر شود بلا اثر است. اگر محکوم به وجود داشته باشد باید مسترد شود اگر ممکن نباشد، بایستی شهودی که شهادت کذب داده اند غرامت را بپردازند(سایت دادگران حامی، تاریخ رویت ۲۹ دی ۱۴۰۰).

## ۹-۱- ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی و حقوق کیفری

در فقه و حقوق، اثبات دعوا از طریق ادله ای که در شرع مطرح شده یا قواعد عقلی و اصولی صورت می گیرد به طوری که حکم مستدل صادر شود بدون بررسی و صدور حکم نباید انجام گیرد. در حقیقت عامل اثبات در دادرسی، دلیل است که در دعاوی حقوقی و کیفری دارای اهمیت بسیاری است. ولیکن، کارکرد دلیل سبب کشف حقیقت و واقعیت می شود که می تواند اثرات فردی و اجتماعی داشته باشد. در حقیقت نبود دلیل سبب به حکم قاضی به برائت است و امر اثبات نشده مانند این می باشد که هیچ کاری صورت نگرفته است. طبق مواد ۱۹۴ تا ۲۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی اثبات میشود که ادله از آن حیث که در مرحله دادرسی به کار می رود مورد نظر قانون قرار گرفته است زیرا اثبات وقایع و دفاع از آن عموماً در دادگاه است و از طرف دیگر کسی که در دادگاه دلیل دارد به کار بردن آن آزاد نیست لذا در حدود مقررات مربوط به دادرسی که در آیین دادرسی مدنی آمده است می تواند استناد نماید. علاوه بر آن دادرسی نمی تواند هر زمان دلیل ارائه شده از سوی طرفین دعوی قبول نماید و یا اگر دعوایی که نزد دادگاه مطرح شود، دادرسی مستقلاً دلیل ارائه دهد و البته دیگر جستجو کند و یا وجدان خود را حاکم قرار دهد به هرچه معتقد می شود رای دهد. از سوی دیگر بر طبق نظر حقوقدانان، چون قانونگذار تصریح به حجیت علم قاضی به صورت مستقل نموده است، خارج از ادله اثباتی معتبر نبوده و صرفاً علم ناشی از ادله مورد تایید مقنن قرار گرفته است. در آخر اینکه اگر مدعی بداند که حقیقتش با شهادت شهود حاضر در دادگاه ثابت می شود اما نخواهد از این دلیل استفاده نماید قاضی نمی تواند بدون در نظر گرفتن نظر

مدعی به شهادت شهود استناد نمود و حکم صادر نماید حتی اگر حکم به نفع مدعی صادر شود. یا اینکه نمی تواند برطبق شهادت شهودی غیر عادل که فاقد شرایط شاهد هستند حکم دهد حتی اگر مدعی درخواست کند که قاضی به این شهادت استناد نماید (کلمه، ۱۳۹۷: ۳۰-۲۸).

## ۱۰-۱- حکم شهادت در سرقت و شرب خمر

در این قسمت نخست به بررسی حکم شهادت در سرقت و سپس به شرب خمر می پردازیم.

### ۱-۱۰-۱- در سرقت

درفقه تعریف روشنی از سرقت نشده اما در سارق چند چیز شرط شده است که از جمله بلوغ، عقل، اشتباهی صورت نگرفته باشد، مالی که برداشته است بین او و کس دیگری مشترک نباشد، مال در جایی نگهداری شود و اجازه ورود نداشته باشد، سارق پدر صاحب مال نباشد، سارق پنهانی بریاید، مال در تملک غیر باشد، سارق برده انسان نباشد (مددی، ۱۳۹۴: ۲۸۵).

حد سرقت جز با شهادت دو مرد عادل اثبات نمی گردد و با شهادت یک مرد و دو زن و همچنین با شهادت دادن زنان ثابت نمی گردد. سرقت با شهادت دو مرد عادل اثبات می شود (شکری و صبوری، ۱۳۸۹: ۳۴).

در قانون جدید مجازات اسلامی حد سرقت به این صورت آمده است که در مرتبه اول قطع چهار انگشت بست راست سارق از انتهای آن است به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند، در مرتبه دوم قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، در مرتبه سوم حبس ابد است و در مرتبه چهارم اعدام است هر چند سرقت در زنان باشد. قانون جدید مجازات اسلامی بیان داشت نصاب شهادت در کلیه جنایی بدون شاهد مرد است با

توجه به کلیت صدر ماده ۱۹۹ نصاب شهادت برای کلیه لازم می باشد و سرقت فیزیکی از این جرایم می باشد برای اثبات سرقت با شهادت شهود دو شاهد مرد لازم است (فرخی، ۱۳۹۵: ۵۶-۵۵).

### ۱-۱۰-۲-در شرب خمر

در قرآن سوره بقره آیه ۲۱۹ آمده است: ای پیغمبر از تو از حکم شراب و قمار می پرسند بگو: در این دو کار گناه بزرگی است سود هایی برای مردم و و زیان گناه آن دو بیش از منفعت آنها است و در آیه ۹۱ سوره مائده آمده است شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه بیاندازد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد. در سوره مائده آیه ۹۰ آمده است: ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و گرویندی همه اینها پلیدو از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید، شرب مسکر در نظر شیعه به خمر مربوط نیست لذا هر آنچه که جنس آن کننده باشد نوشیدن آن حرام است و حکم به حرمت مختص به شرب به مقداری که مست کند ندارد در نتیجه هر آنچه که جنس آن مست کننده باشد خوردنش موجب حد است یعنی مست کننده است ، اگرچه بعضی از مردم را به سبب اعتیاد و مداومتی که در شرب آن دارند مست نکند یا مقداری که استعمال شده کم باشد و اثرمسکرب آن باز نگردد و احیانا مزاج شارب به واسطه خروج از حد اعتدال حالت انفعالی خود را از دست داده باشد و هر مایعی که مست کننده باشد نوشیدن آن نیز حرام است و اگر شراب خوار قبل از اقامه بینه بر علیه او توبه نماید حد از او ساقط می شود اما اگر پس از اقامه باشد حد ساقط نمی شود و شرب خمر با شهادت دو مرد عادل و با ۲ مرتبه اقرار ثابت می شود و هر زمان یکی از دو شاهد عادل شهادت به شرب خمر نمایند و دیگری به قی نمودن شراب شهادت دهد گفته می شود که مشهود علیه محکوم به حد است و هر زمان مشهود علیه مدعی اکراه در نوشیدن شود از او این ادعا قبول میشود و به علت احتمال وقوع آن در حق وی، پس در این صورت حد از مشهود علیه ساقط می گردد و به علت وجود شبهه و نیز کسی که به

واسطه نشنگی زیاد مضطر شده است محکوم به حد نمی گردد. نوشیدن انواع مست کننده ها با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود دلیل آن اطلاق روایات و ادله است و با یک بار اقرار ثابت می گردد(همان، ۵۷).

### ۱-۱۱- موانع شهادت و تاثیر آن

بر اساس بند ۷ ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوی را از شرایط گواه قرار داده است این شرط در قانون مدنی نیامده است و یکی از تفاوت های بارز و موثر این قانون با قانون آیین دادرسی در این باره است البته این شرط در ماده ۴۱۳ ق.آ.د.م.س آمده بود به این طور که: «در حالتی که بین گواه و کسی که گواهی به ضرر او داده می شود دعوی مدنی یا جزایی مطرح باشد و یا دعوی جزایی سابق مطرح بوده و هنوز ۵ سال در صورت جنایی و دوسال در صورت جنحه از صدور حکم قطعی نگذشته باشد» با نسخ صریح این قانون و تکرار نشدن نص مزبور در ق.آ.د.م.ع.ا معیار دقیقی در حال حاضر برای تشخیص وجود دشمنی به چشم می خورد، ولو اینکه، ملاک بند(ه) ماده ۹۱ ق.آ.د.م.ع.ا، مورد قبول واقع شود که هر زمان دعوی حقوقی با جزایی بین گواه و طرفی که علیه او گواهی داده می شود در جریان باشد و یا در گذشته در جریان بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی در آنها دو سال نگذشته باشد، این امر وجود دشمنی دنیوی بین آنها محسوب می شود. ملاک مزبور منطقی بوده و تشخیص وجود دشمنی دنیوی را راحت تر می نماید. برای اینکه، وجود اختلاف مالی و خانوادگی... هنگامی که به صورت دعوی در مراجع مطرح می شود بیانگر دشمنی طرفین با همدیگر می باشد. درباره دشمنی دنیوی، هر زمان گواهی به نفع طرف باشد قبول می شود که این موضوع در فقه نیز آمده است و دشمنی در امور دنیوی را، اگرچه فسق در بر نداشته باشد از موانع شهادت تلقی نموده اند. همچنین، فقهای دیگری نیز عدوات دنیوی را مانع پذیرش شهادت وی محسوب می نمایند. نتیجه در ق.آ.د.م.د.ع.ا که بند یک ماده ۴۱۳ قانون سابق حذف شده و با توجه به ماده ۴۱۳ ق.آ.د.م.د.ع.ا

که تشخیص ارزش شهادت با دادگاه است وجود رابطه خویشاوندی از اعتبار شهادت کاهش پیدا نموده هر چند

که مانع از پذیرش آن می شود(موسوی زاده، ۱۳۹۵: ۶۰ - ۵۹).

## نتیجه گیری

شهادت بعنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد پذیرش تمام نظام‌های حقوقی از جمله اسلام قرار گرفته است. ادله اثبات دعوی یعنی عوامل، اسباب و ابزار و اوضاع و احوالی است که قانون آن‌ها را معرفی نموده و تحت شرایط و ضوابطی دادگاه را برای نیل به حق و حل و فصل دعوی هدایت می‌نماید. در تحقیق بعمل آمده چنین نتیجه گیری می‌گردد که شهادت بعنوان بینه شرعی در جوامع اسلامی مورد قبول همگان بوده و یکی از حقوق اجتماعی هر فرد د دنیا می‌باشد که نمی‌توان این حق را از آنان ساقط نمود چه بسا که می‌بایست بعنوان یکی از ادله اثبات دعوی بکار برد.



## منابع و مأخذ

### منابع فارسی

#### کتب

- ۱- امامی، سیدحسن (۱۳۷۲)، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات اسلامیة
- ۲- شکری، رضا؛ صبوری، مختار (۱۳۸۹)، **متون فقه ترجمه فقه جزایی و حقوقی**، چاپ پنجم، تهران، پردازش
- ۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، **مقدمه علم حقوق**، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار
- ۴- مددی، علی (۱۳۹۴)، **ترجمه مبانی تکلمه المنهاج مترجم علی مددی**، چاپ اول، ج اول، قم، انتشارات حقوق

#### اسلامی

#### مقالات

- ۵- رستمی، سهیلا؛ روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۶)، **واکاوی رویکردهای فقهی به اعتبار جنسیت در شهادت**، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۵۰، صص ۸۶-۶۷
- ۶- سجادی نژاد، سید احمد (۱۳۹۱)، **ادای شهادت در فقه و حقوق**، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، صص ۱۵۸-۱۳۹
- ۷- سعدی، حسینعلی؛ مرتضوی، سیدسلیمان (۱۳۹۲)، **تعارض شهادت در فقه امامیه**، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۴، شماره ۷، صص ۹۶-۶۹

۸- محمدیان، علی؛ سلحشور، بتول (۱۳۹۹)، اعتبار شهادت زنان در شهادت فرع، مقاله پژوهشی مطالعات

راهبردی زنان، دوره ۲۲، شماره ۸۸، صص ۷۴-۵۵

#### پایان نامه

۹- دنکوب، محمد (۱۳۹۴)، شهادت بر شهادت در فقه جزایی امامیه و قانون مجازات اسلامی، پایان نامه برای

دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران

۱۰- فرخی، روح الدین (۱۳۹۵)، ارزش اثباتی شهادت شهود در فقه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه برای

دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۱۱- کلمه، سهیلا (۱۳۹۷)، ماهیت و قلمرو اثباتی شهادت تبرعی در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، پایان

نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز

۱۲- موسوی زاده، سیده مریم (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی شهادت در حقوق موضوعه ایران و انگلستان، پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۱۳- میرزایی قاضی، مهدیه (۱۳۹۵)، بررسی فقهی و حقوقی شهادت خویشاوندان، پایان نامه برای دریافت

درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

#### منابع عربی

۱۴- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو

۱۵- مامقانی، عبدالله (۱۴۰۴)، مناهج المتقین، قم، انتشارات آل بیت (ع)

۱۶- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، شرایع السلام فی المسائل الحلال و الحرام، ج ۴، البیروت،

دارالاضواء

سایت

۱۷- <https://www.dadgaran.com>